

آخرین بچه‌های زمین

هیولای کابوس



نسرین خلیلی

داگلاس هولگیت

مکس بزلییر

دوستان جدیدمان کمک کردند تا رزوق و ترال را شکست دهیم.

و اگه دخالت این بچه‌ها نبود، منم می‌تونستم قسر در برم.

شرارت به جایی که ازش آمده بود برگشت.

سفری که قهرمان‌های داستانمان

افتادیم تو دردسرا دوباره!

اوه اوه!

کلید چی شد؟ از چه کلیدی می‌شه بواب باز کردن و رودی درخت استفاده کرد تا من وارد چنان بشم؟

اوه! اسم من تواله، بسپویش به من.

وجود شرور از یه بُعد بیگانه تم رزوق دنبال می‌گشت ...

واقعاً خیانت ظالمانه‌ای بود.

قهرمانان ما ضیافت شام باشکوهی برپا کردند.

آخیش! مطمئنم از این به بعد مشکل جدیدی برامون پیش نمی‌آد، مگه نه بچه‌ها؟

بچه‌ها؟

جک کاملاً اشتباه می‌کرد. چون...

نقشه‌ی ویکفیله



بالتق قدیمی
مارش

سوپرمارکت
آتلانتیک

راه آهن
(خانه‌ی دیو
شاخکی)

میدان شهر
(محل خانه‌ی
درختی ما، پیتزا جو
و هیولاهای باحال)

بالتق قدیمی
مارش

کاخ آشغالی آل بزرگ
(پاتوق زامبی‌ها)

برگر کینگ

پاساژ دایره‌ی یک
(خانه‌ی وُرمانگولوس)

فروشگاه
لوتز

پارک جنگلی

پارک شهر (الان پر
از درختان تاک‌مانند
است.)

ایستگاه
آتش‌نشانی

پیست رالی
سوپر ماریوی
واقعی

خانه‌ی
کوئینت

کارخانه‌ی
آلد باکس (محل
استراحت
بولدوزرها)

اسکله‌ها (هیولاهای
دریایی؟)

مدرسه راهنمایی پارکر